

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



در تاریخ جنبش رهایی بخش مردم ایران، روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، به عنوان یک روز تاریخی و نقطه عطفی در مبارزه با دیکتاتوری به ثبت رسیده است. در آن روز سرد و یخبندان زمستانی در جنگلهای دیلمان، شراره های آتشی که گروه کوچکی از جوانان انقلابی برپا کردند، تار و پود جامعه را درنوردید، اندک اندک به گوشه و کنار کشور رخنه کرد و دیری نپایید که گرمای آن بر انجماد جامعه غلبه کرد، توازن «ضعف مطلق» توده ها در برابر «قدرت مطلق» دیکتاتوری شاه برهم خورد و آزادی را نوید داد.

اکنون و پس از پنجاه و پنج سال، و با گذشت یک سال پر تلاطم در سراسر میهن دربند ارتجاع و استبداد، گُنش جسورانه گروه کوچکی که با خلع سلاح پاسگاه سیاهکل در شهرک سیاهکل علیه دیکتاتوری سلطنتی قیام کردند، تکثیر می شود. حماسه سیاهکل گرچه گُنش نظامی کوچک بود، اما آن چنان تاثیر شگرفی در سراسر فلات آفتاب و باد برجای گذاشت که به عنوان رستاخیزی سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی در سپهر جنبش کمونیستی ایران را با نام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رساند.

پس از خلع سلاح پاسگاه سیاهکل، به فرمان محمد رضا شاه، نیروهای پُرشمار نظامی، آن منطقه را مورد تهاجم زمینی و هوایی قرار دادند و طی درگیریهای نابرابر پس از آن که یازده روز جریان داشت، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی به شهادت رسیدند و شش رزمنده دیگر به اسارت درآمدند و سرانجام و پس از شکنجه های فراوان، بیدادگاههای نظامی به نیابت از محمد رضا شاه، اُسرای حماسه سیاهکل را همراه با هفت تن دیگر که در روزهای پیش از ۱۹ بهمن دستگیر شده بودند، محاکمه و در سپیده دَم روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخه اعدام سپردند.

در این روز رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی و هوشنگ نیری جان خود را برای آزادی و رهایی خلق محروم ایران فدا کردند.

### واکنش شاه و خمینی

سازمان ما هر سال به رویکرد یکسان محمد رضا پهلوی و خمینی به خیزش سیاهکل اشاره می کند و همداستانی تاریخی شاه و شیخ را در برابر جنبشهای انقلابی، مبارزه ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری و تلاش مُستقل و به اتکای اراده توده ای برای عدالت و آزادی یادآور می شود.

اسدالله عَلم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهان شان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» موضع حقیرانه و ارتجاعی خمینی آنگونه بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

### جنبش انقلابی دی ماه، قیامهای سراسری، تولد ارتش قیام و تمرین انقلاب

برای کسانی که به دستاوردها و سنتهای رستاخیز سیاهکل در پیشرفت جنبش رهایی بخش مردم ایران وفادار هستند، جای بسی مسرت است که هر گُنش توده ای علیه استبداد مذهبی از جمله خیزش توده ای دی ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸، پائیز ۱۴۰۱ و به ویژه دی ماه ۱۴۰۴ همچون آفرینندگان حماسه سیاهکل از راهکار و سنت مبارزه تمام قد علیه ستم و استبداد با قبول همه هزینه های آن پیروی می کند. رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان و بیداری و روحیه انقلابی زنان و مردان ایران زمین و فداکاریهای اقشار مختلف مردم جای بسی افتخار و خرسندی برای ما است. مبارزه درخشان و ناگسستنی آنها نشان می دهد که ورد و افسونهای تخدیر کننده ای که گفتمان سازها و نظریه پردازهای رژیم حاکم بیش از چهل سال است به گوش جامعه می خوانند، بی اثر بوده است. آنها تلاش کرده اند تاریخ مبارزاتی این سرزمین و تلاشهای تاریخی فرزندان آن برای آزادی و برابری را حذف کرده و به جای آن گذشته ای بنا شده بر خرافات و روایت قدیسان و اسطوره های ساختگی بنشانند. تاریخ جایگزین آنها، تاریخ مغلوب شدگان در برابر برگزیده ها و به خاک افتادگان در برابر اربابان آسمانی است. نوبت دی ماه اما یکبار دیگر ثابت کرد که این مردم متن دیگری از تاریخ را قرائت می کنند و پشت به سنتهای مبارزاتی دارند که در هر صفحه با غرور، خون و سرفرازی گواهی شده.

راست این است که جنبش انقلابی دی ماه نتیجه انکشاف همه جنبشهای توده ای در دوران حیات رژیم ولایت فقیه است. خیزشهای دی بر این دیدگاه کارل مارکس مُهر تایید زد که: «سلاح نقد به هر روی نمی تواند جای انتقاد با اسلحه را بگیرد. قدرت مادی باید به نیروی مادی سرنگون شود.»

بعد از ظهر روز یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ بازاریان تهران در پاساژ چارسو، علالدین و ... همراه با چند شهر دیگر در اعتراض به سقوط ارزش ریال دست به اعتراض گسترده زدند. این اعتراض روز بعد به سرعت به گوشه و کنار کشور گسترش پیدا کرد و بخشهای گوناگون جامعه در کنار هم برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه در تمامیت آن و با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن قیام کرده تا باری دیگر مسیر پیروزی نهایی انقلاب را تمرین

کنند. میلیونها تن از زنان و مردان ایران زمین طی دو هفته با گامهای استوار خیابان را از آن خود کردند و عینی ترین حقیقت جامعه ایران را بدون هرگونه بَزْکِ حکومت ساخته در کف خیابان به نمایش گذاشتند. فریاد «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» تجلی این واقعیت است که مردم ساکن در بخشهای این سرزمین رنگین کمانی نظام ننگین ولایت فقیه را بر نمی تابند و برای تحقق آزادی و عدالت و سرنگونی ولایت جبار خامنه ای در تمامیت آن و با همه باندها و دسته بندیهای درونش، انقلاب را تمرین کردند.

توده های بپاخاسته با سردادن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر اصل ولایت فقیه/ جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم/ خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/ سپاه جنایت می کند، رهبر حمایت می کند/ خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/ دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی/ دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست/ مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت/ مرگ بر خامنه ای و...

خیزش دی ماه بحران و شرایط انقلابی و روند پیشروی مبارزه برای سرنگونی رژیم را در کف خیابان عینی کرد. آنچه در خروش قدرتمند توده های به فلاکت کشیده غرش گرفت، تنفر و بیزاری همگانی از خودکامه ای تبهکار و جنایت پیشه است که سالهای ولایتش با خون مردم رنگین شده.

#### نیروهای اجتماعی شرکت کننده در خیزش دی ماه ۱۴۰۴

یک ویژگی برجسته خیزش دی ماه، گستره طبقاتی شرکت کنندگان در قیام است. این امر معلول تشدید وخامت اقتصادی و فلج شدن رژیم حاکم در برابر بحرانهایی چندگانه ای است که آفریده. خاستگاه حرکت نیروهای اجتماعی به سوی قیام اگرچه متفاوت است، اما همگی آنها در ضرورت تغییر بنیادی شرایط حاکم اشتراک نظر دارند. نیروی محرک کارگران صنعتی و خدماتی، زحمتکشان شهری و حاشیه نشینها، کشاورزان و جوانان خارج شدن از جهنم معیشت است که زندگی آنها را به نبردی مشقت بار و غیرانسانی برای بقا بدل گردانده. آنها مدتهاست که مسیر تغییر را در خارج از نظم حاکم می بینند و جستجو می کنند. این گرایش به ویژه در شهرستانها و شهرهای کوچک، نیرومند و محرک دار است. شرکت بی سابقه ساکنان این مناطق در خیزش دی، همین واقعیت را بازگو می کند.

در سوی دیگر، اکثریت نیروی اجتماعی طبقه متوسط شامل کسبه جزء، صاحبان مشاغل کوچک، کارمندان شرکتهای دولتی و خصوصی، کارکنان بخشهای اداری که تا دیروز امید داشتند شرایط شان از آنچه که هست بدتر نشود و بتوانند سطح زندگی خود را کم و بیش حفظ کنند، امروز در نگر داشتند داشته های ناچیز خود نیز ناتوان شده اند. آنها دریافته اند چاهی که رژیم ولایت فقیه برای سقوط کیفیت زندگی شان حفر کرده، بی انتهاست. بحران معیشت پله به پله بالا آمده و در این مرحله به طبقه متوسط رسیده است.

به گواهی هویت طبقاتی شهیدان و اسرایی که نام و شغل آنان تاکنون برملا شده، «هسته و جریان» اصلی قیامهای سراسری را «جبهه خلق» شامل نیروهای کار، فرودستان، تهیدستان، کسبه، اصناف، دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان، بازنشستگان، هنرمندان، ورزشکاران و... تشکیل می دادند.

شرکت میلیونی توده های محروم در منطقه های کارگری در تهران، از جمله در نازی آباد، شهری و زندگی و شغل شهیدان جاوید نام به این امر گواهی می دهد:

-عبداله فتحی منجزی، ۴۷ ساله پدر سه فرزند در ۱۸ دی ۱۴۰۴ در شهر شوشتر که به ضرب گلوله ماموران حکومتی به قتل رسید، کارگر گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و یکی از همراهان همیشگی اعتراضها و اعتصابات کارگران گروه ملی فولاد بود.

-سمانه عبدی، ۲۴ ساله اهل کرج که روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، با شلیک مستقیم گلوله به قلبش به قتل رسید، فارغ التحصیل رشته حسابداری در مقطع فوق دیپلم بود و در یکی از تولیدیهای بزرگ کرج در منطقه باغستان کار می کرد. او برای تأمین هزینه های زندگی، پس از ساعات کاری نیز به عنوان راننده اسنپ فعالیت می کرد.

-مصطفی خرسندیان ۲۵ ساله و مکانیک بود که در شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی در نزدیکی ساختمان نیروی سرکوبگر انتظامی رودبار در استان گیلان با شلیک مستقیم ماموران سپاه به قتل رسید.

-کریم تونی، متولد اول فروردین ۱۳۵۲ و جوشکار بود که در روز پنجشنبه ۱۹ دی در شهرک پرند در جنوب غربی تهران در حال کمک به یکی از زخمیها با شلیک گلوله به قلبش به قتل رسید.

-محسن مقیمی ۳۱ ساله، فوق لیسانس رشته تربیت بدنی که با رانندگی زندگی خود و خانواده اش را تأمین می کرد. وی روز پنجشنبه ۱۹ دی در شهر آبگرم قزوین با گلوله جنگی که از پشت وارد قلبش شد به قتل رسید.

-صادق قدسی، ۳۸ ساله و ایلینا قدسی، ۱۷ سال بر اثر اصابت گلوله در قلعه حسن خان (شهر قدس) تهران به قتل رسیدند. قدسی از طریق میوه فروشی روی وانت امرار معاش می کرد.

تاکنون مشخص شده که دستکم سه پرستار در جریان خیزش به قتل رسیده اند. یکی از این پرستاران در کرمانشاه و در مسیر حضور در بیمارستان و یکی هم در رشت و در جریان ارائه خدمت به قتل رسیده است.

### پیشروی جامعه، خامنه ای فرمان قتل عام داد

خامنه ای که با خیزش میلیونها تن از شهروندان ایران زمین و با ابربحرانه های درگیر و از آشفتگی در درون هرم قدرت با خبر بود، مثل همیشه فرمان به سرکوب بی امان داد. او روز شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۴، در یک سخنرانی نفرت آور و کینه توزانه با طرح دو قطبی غیرواقعی «معترض» و «اغتشاشگر» کوشش کرد که در جبهه انقلاب تفرقه ایجاد کند. سه روز بعد در روز سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ در فراز جدیدی از اعتلای جنبش انقلابی، بازار تهران با شعار «آزادی آزادی آزادی» بر دهان خامنه ای کوبید تا نتواند با دوگانه سازی «اعتراض» و «اغتشاش» در جبهه متحد خلق ایجاد شکاف کند. همزمان در شهرهای گوناگون خلق بپاخاسته و جوانان پیشتاز شورشی مراکز ارتجاع و ستم را به آتش کشیدند. شهرهای ملکشاهی و ابدانان ساعتها در کنترل قیام کنندگان بود.

در همین روز و در حالی که هفت حزب و جریان سیاسی در کردستان ایران برای اعتراض عمومی در روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه فراخوان داده بودند و در حالی که جنبشهای توده ای اعتلای جدیدی پیدا کرده بود، رضا پهلوی فرصت طلبانه فراخوان به تظاهرات همگانی در روزهای پنجشنبه ۱۸ دی و جمعه ۱۹ دی داد.

روز پنجشنبه ۱۸ دی شهرهای کردستان یکپارچه شاهد اعتصاب عمومی فراگیر بود. شهرهایی چون سنندج، نایسر، دیواندره، مریوان، بانه، مهاباد، کامیاران، روانسر، پاوه، قروه، ارومیه، سرپل ذهاب، ارومیه و چندین شهر

دیگر به طور گسترده در اعتصاب بودند. همزمان با پیروزی فراخوان اعتصاب در کردستان، شهروندان در ملکشاهی، شهرکرد، بروجرد، آبدانان، رشت، مشهد، اصفهان، شیراز و... خیابانها را به میدان نبرد برای سرنگونی نظام حاکم تبدیل کرده و سرخ ترین لحظه های تاریخ رهایی را ترسیم کردند. طی چهل ساعت در روزهای پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ دی، میلیونها شهروند ایران زمین دستکم در دویست شهر (بدون تکرار) به قیام برای رهایی ادامه داده و نهادهای ارتجاع و ستم را به آتش کشیدند. رژیم حاکم که آشکارا از پیش سناریوی کشتار وسیع در صورت مواجه شدن با قیام عمومی را در دستور کار داشت، با ساز و برگ نظامی و بسیج توان انسانی خود، به جنگ مردم بی دفاع رفت و به سلاخی بیرحمانه جوانان، زنان و مردان مبادرت کرد. قصابان خامنه ای همزمان اینترنت را به طور کامل قطع کردند تا جنایت شان را پنهانی ادامه دهند. اخبار تکاندنده از قتل عام هزاران تن از شهروندان به شمول کودکان در خیابانها، دستگیری چند ده هزار تن از معترضان و طراحی محاکمات صحرایی و اعدامهای دسته جمعی در زندانها به دستور اژه ای جنایتکار با عنوان «خونخواهی»، ربودن پیکر شهیدان جنبش از بیمارستانها، راهکار سرکوبگران جمهوری اسلامی برای مهار انقلاب رهایی بخش مردم ایران بود.

در حالی که ضحاک خون آشام در تدارک به نمایش گذاشتن پیکرهای به قتل رسیده بود، روز جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴ با عنوان «دیدار با مردم قم» به منبر روضه خوانی رفت تا بار دیگر برای مردم خط و نشان کشیده و مزدورانش را تهییج کند. او گفت: «همه بدانند جمهوری اسلامی با خون چند صد هزار انسان شریف روی کار آمده و در مقابل کسانی که تخریب کردند کوتاه نخواهد آمد.»

این سخنان در شرایطی بیان می شد که مزدوران نظام با چراغ خاموش مشغول کشتار بودند. گرچه ولی فقیه با قتل عام ددمنشان و بی امان توانست فروش توده ها را مهار کند، اما نتوانست و نمی تواند این جنایت را پرده پوشی کند و البته نمی تواند شرایط و بحران انقلابی را مهار کند. ایران زمین همچنان آستان گدازه های خیزشهای دیگری است که از آتشفشان نابرابری، استبداد، شکاف طبقاتی، تبعیض و سرکوب، سیل وار به بیرون سرازیر خواهد شد.

توده های قیام کننده در دی ماه گامهای بزرگی به سوی پیروزی انقلاب برداشتند و در جریان خیزشهای سترگ آن «ارتش و فرماندهان میدانی قیام» متولد شدند و بدین ترتیب گامهای بلندی در جهت تدارک شرایط ذهنی انقلاب برداشته شد.

## زنان و مردان ایران زمین

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با اعلام نفرت و انزجار از جنایت تکان دهنده ولایت خامنه ای، سرکوبهای گسترده در جنبش انقلابی دی ماه را محکوم می کند.

ما به زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسیتی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم.

ما یاد و نام تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواسته های ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند، به ویژه زنان، مردان، نوجوانان و کودکانی که در جریان جنبش انقلابی کنونی به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی و عقیدتی را ارج می نهد و همبستگی خود را با آنان، به ویژه با شرکت کنندگان در کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» اعلام می کند. با ادای احترام به خانواده شهیدان، عمیق ترین همدردی خود را با آنان اعلام می کنیم. ما نیز سوگواریم و به خود و مردم ایران تسلیت می گوئیم.

سپهخا در سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در آغاز پنجاه و پنجمین سال حیات خود، یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در مسیر هدفهای ستیج جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند، گرامی می دارد.

ما از تصمیم دولتهای اروپایی برای تروریستی دانستن سپاه پاسداران استقبال کرده و خواستار اخراج سفیران و اعضای سفارتخانه های جمهوری اسلامی و کارگزاران علنی و پنهانی جمهوری اسلامی از اروپا هستیم. ما از دولتهای اروپایی می خواهیم که هرگونه روابط اقتصادی با رژیم ایران را مشروط به لغو مجازات اعدام کنند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران استفاده از تمامی اشکال مبارزه به شمول مبارزه و قیام مسلحانه را حق مسلم مردم می داند و کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری غیر دینی، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

ما آلترناتیو سازی برای مردم ایران را رد کرده و آن را ایده ای مخرب و به شدت زیانبار برای پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی کشور و منافع جامعه می دانیم. در این راستا ما در همان حال که از اعمال تحریمهای بین المللی و منزوی کردن سیاسی رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنیم، همزمان با مداخله نظامی برای سرنگونی آن مخالف هستیم. چنین مداخله ای در انتها مطامع مداخله گران و نه خواسته ها و آرزوهای دیرینه مردم ما را برآورده می کند.

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دموکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبوحانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

«برافراشته باد پرچم انقلاب دموکراتیک مردم ایران»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ - ۵ فوریه ۲۰۲۶